

## دگرگونی‌های فکری و فرهنگی عصر امام کاظم 7

اصغر منتظرالقائم<sup>۱</sup>

### چکیده

عصر امامت موسی بن جعفر 7 (۱۴۸ - ۱۸۳ق) هم‌زمان با چهار خلیفه عباسی بود. در این دوره در جهان اسلام، دگرگونی‌های فکری و فرهنگی گسترده‌ای به وجود آمد. از یک‌سو، رشد و گسترش فرقه‌هایی هم‌چون مرجئه، معتزله، خوارج و غالیان در میان مسلمانان را شاهد هستیم و از سوی دیگر، فرقه‌های جدید فقهی اهل حدیث هم‌چون حنفی، مالکی و شافعی ظهور کردند. در این عصر پیروان آیین‌های یهودی، مسیحی، زرتشتی و صابئین در کنار مسلمانان زندگی می‌کردند و بر دامنه تغییرات فرهنگی اثرگذار بودند. امام کاظم 7، در این آشفته‌بازار فرهنگی، یکی از کارگزاران اثرگذار فکری به شمار می‌آیند که برای اصلاح این آشفتگی، راهبردهای مهندسی فرهنگی مبتنی بر معارف اصیل قرآن، سنت نبوی و معارف اهل بیت را تدوین و اجرا می‌کردند. در این مقاله، با روش توصیفی - تحلیلی، دگرگونی‌های فکری و فرهنگی جهان اسلام همراه با تبیین شرایط تغییر و کارگزاران آن بررسی خواهد شد.

**واژگان کلیدی:** امام کاظم 7، تاریخ فرهنگ، تغییرات فکری و فرهنگی.

---

۱. دانشیار گروه تاریخ دانشگاه اصفهان.

### مقدمه

به تغییرات قابل رؤیت سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی يك منطقه در طول زمان که جریان تاریخی آن را متحول کند، دگرگونی گویند. در دگرگونی، دو عنصر مرتبط با هم یعنی تداوم و تغییر دیده می‌شود. سیر آرام تحول و گذر زمان، نمایشی از تغییر است. چگونگی درجات شدت و ضعف تغییر جوامع و مناطق جغرافیایی، در چشم اندازه‌های سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی صورت می‌گیرد. به تغییرات فرهنگی مشهود در ادوار تاریخی، همراه با شناخت شرایط و کارگزاران تغییر که ما را در شناخت تاریخ فرهنگ و تفکر يك دوره یاری رساند، را دگرگونی فرهنگی می‌گویند.

این مقاله بر آن است تا به روش توصیفی - تحلیلی و با تکیه بر منابع اصلی، این فرضیه را اثبات کند که تداوم و تغییر فکری و فرهنگی پیوسته با تاریخ فرهنگی و فکری جهان اسلام در عصر امام کاظم ۷ مشهود است.

### عصر امامت حضرت موسی بن جعفر ۸

آن حضرت در هفتم صفر سال ۱۲۸ هجری از مادرشان حُمیده بربریه در آبوا به دنیا آمدند. ایشان به سبب عبادت و زهد بسیار به عبد صالح و به جهت حلم و فروبردن خشم و پایداری بر مشکلات به کاظم مشهورند و کنیه ایشان ابوالحسن و ابوابراهیم است.<sup>۱</sup> امام کاظم ۷ بیست سال از حیات خود را در دوران امامت پدرشان گذراندند و تحت راهنمایی و تربیت امام صادق ۷ بزرگ شدند و از نزدیک، جنبش علمی، مناظره‌ها و حلقه‌های علمی پدر را مشاهده می‌کردند. مکارم اخلاقی و زهد و دانش بی‌کران ایشان از روزگار جعفر بن محمد ۷ زبان زد

۱. کلینی، اصول کافی، ج ۳، ص ۳۸۰؛ سبط بن جوزی، تذکره الخواص، ص ۳۱۳.

بود. حضرت در علم و تواضع و بخشندگی بی‌نظیر بودند و نسبت به بداندیشان با احسان و گذشت برخورد می‌کردند و آنان را هدایت می‌نمودند. آن حضرت از همه کس به کتاب خدا آشنا و در خواندن آن از همگان خوش‌صداتر بودند. حضرت عابدترین، فقیه‌ترین، با سخاوت‌ترین و عالم‌ترین مردم روزگار خود بودند. ایشان نافله شب را به نماز صبح متصل می‌کردند و بسیار دعا می‌نمودند و مردم از تلاوت قرآن ایشان می‌گریستند و او را «زینت‌المُتَهَجِّدین» می‌نامیدند.<sup>۱</sup>

### اوضاع سیاسی عصر امام کاظم 7

دوران امامت آن حضرت ده سال در عهد خلافت منصور عباسی گذشت. منصور در تمام ایام خلافتش از تعقیب و تهدید و آزار طالبیان و حبس و شکنجه و کشتار آنان پروایی نداشت. منصور به تعقیب مخالفان و سرکوب آنان تا پایان خلافت ادامه داد و هنگامی که عازم سفر حج شد، کلید خزانه‌ای را به همسر مهدی داد و گفت که پس از مرگ وی درب آن بکشایند و تأکید کرد شخص سومی از این جریان آگاه نشود. پس از مرگ منصور، مهدی بر تخت خلافت عباسی نشست و به اتفاق همسرش از آن خزانه بازدید کرد. او ناگهان در مقابل خود، عمارتی بزرگ دید که جوانان و پیران و کودکان فراوان طالبیان در آن کشته شده و اجساد آنان بر زمین افتاده و به گوش هر یک از آنان، برگه‌ای حاوی مشخصات و نسب ایشان آویخته شده بود. این صحنه خوفناک مهدی را به وحشت انداخت و دستور داد گودالی کنند و اجساد بی‌شمار علویان کشته‌شده را در آن دفن کردند.<sup>۲</sup> امام کاظم 7 در طول ده سال خلافت منصور، به شدت زیر نظر بودند و جاسوسانی در مدینه، رفت‌وآمدهای آن حضرت را کنترل می‌کردند و

۱. شیخ مفید، ارشاد، ج ۲، ص ۲۲۷.

۲. محمدبن جریر طبری، تاریخ طبری، ج ۶، ص ۳۴۳.

یاران او را زیر نظر داشتند. آن حضرت نیز در تداوم سیاست تقیه پدر، از افشای اسرار امامت و اخبار خود و یارانش خودداری می‌کردند و با پیک‌های ویژه، دستورهای خود را به وکلا و شیعیانش ابلاغ می‌نمودند.<sup>۱</sup> کنترل آن حضرت چنان شدید بود که ایشان حتی یک‌بار مجبور شدند به غاری در یکی از روستاهای شام پناه ببرند.<sup>۲</sup> در دوران یازده سال خلافت مهدی، از فشارها و سختی‌های علویان تا حدودی کاسته شد. لذا آن حضرت از فرصت استفاده کردند و به بازپروری و سازمان‌دهی شیعیان پرداختند، به همین سبب، مهدی عباسی دستور داد آن حضرت را دستگیر و روانه بغداد سازند. مهدی آن حضرت را به زندان انداخت ولی شب هنگام خواب امام علی ۷ را دید که به وی فرمود: «آیا اگر در زمین به حکومت رسیدید می‌خواهید فساد برپا کنید و پیوند خویشاوندی‌تان را ببرید؟» مهدی در همان لحظه دستور داد آن حضرت را احضار کردند و پس از مذاکره با وی و اطمینان از این‌که امام کاظم ۷ قصد مخالفت با وی ندارد، بی‌درنگ آن حضرت را به مدینه منوره بازگردانید.<sup>۳</sup> برخی از منابع چنین داستانی را به عهد هارون مربوط می‌دانند که وی امام کاظم ۷ را به بغداد احضار کرد و چندی نیز او را به زندان افکند ولی به سبب خوابی که دید، آن حضرت را آزاد کرد.<sup>۴</sup> آن حضرت در چهارده سال دوران خلافت هارون، همواره زیر نظر قرار داشتند و نسبت به ارتباطات وی حساسیت بسیاری وجود داشت. سرانجام هارون به بهانه داعیه خلافت از سوی امام کاظم ۷ در تعیین حدود فدک و سخن‌چینی‌های محمد بن اسماعیل یا علی بن اسماعیل<sup>۵</sup> دستگیری آن حضرت را دستور داد و

۱. ارشاد، ج ۲، ص ۲۱۴.

۲. ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، ج ۴، ص ۳۱۱.

۳. ابن خلکان، ج ۵، ص ۳۰۸.

۴. کلینی، همان، ج ۳، ص ۳۸۴؛ ابن خلکان، همان، ج ۵، ص ۳۰۹.

۵. اصول کافی، ج ۳، ص ۳۲۰.

موسی بن جعفر 7، رنج‌های بسیاری در این راه تحمل کردند. انتقال از این زندان به زندان دیگر، آن حضرت را در تنگنای شدیدی قرار داد. وی مدتی در زندان بصره و سپس مدتی را در رقه تحت کنترل فضل بن یحیی برمکی گذراندند و مدتی را در زندان فضل بن ربیع، حاجب هارون، و سپس مدتی را زیر شکنجه‌های سخت زندان سندی بن شاهک طی کردند و سرانجام پس از ۳۵ سال امامت در ۲۵ رجب سال ۱۸۳ قمری به تحریک یحیی بن خالد برمکی مسموم شدند و به شهادت رسیدند.<sup>۱</sup>

### جریان‌های فکری عصر امام کاظم 7

حادثه سقیفه که نقطه عطفی در تعیین حدود مذاهب اسلامی و مبانی عقیدتی فرق اسلامی بود و کنار زدن اهل بیت از صحنه سیاسی و فرهنگی جهان اسلام، نخستین عامل اختلاف میان مسلمانان گردید. ولی عوامل دیگری هم چون اجتهاد صحابه، جلوگیری از نقل و تدوین و نشر حدیث، نفوذ فرهنگی یهودیان، مسیحیان و ملحدان و نشر افکار و شبهات آنان علیه اسلام، رسوخ دنیاطلبی و تفسیر انحرافی از عقیده اسلامی، اختلافات و درگیری‌های خلافت اموی و عباسی و ایجاد فرق انحرافی از سوی آنان برای مقاصد فرهنگی، سبب بروز اختلافات بیش‌تر عقیدتی، فکری و فرهنگی جهان اسلام بود. امام کاظم 7 به شدت گرفتار اختناق، ممنوعیت، محدودیت، تعقیب و شکنجه و زندان و رواج اندیشه‌های التقاطی و مادی بودند. شیخ مفید، از دو نفر از کارگزاران فکری و فرهنگی آن عصر به نام هشام بن سالم جوزجانی و محمد بن علی بن نعمان مشهور به مؤمن الطاق نام برده و به آشفتگی و سرگشتگی جامعه شیعه پس از شهادت امام صادق 7 و

۱. ارشاد، ج ۲، ص ۲۳۶؛ ابن خلکان، همان، ج ۵، ص ۳۰۹.

جریان‌های فکری جامعه اسلامی شامل مرجئه، قَدْرِيه، معتزله، خوارج و زیدیه اشاره کرده است.<sup>۱</sup>

#### ۱. مرجئه

این کلمه از مصدر ارجاء به معنای به تأخیر انداختن است. پس از پیکار صفین، درباره تعریف ایمان و کسی که تنها به زبان به شهادتین اعتراف کند و یا کسی که علاوه بر ایمان باید عمل به احکام داشته باشد، اختلاف نظر افتاد. خوارج، مرتکب گناه کبیره را کافر می‌دانستند. در برابر این فکر، گروهی از مسلمانان معتقد بودند که ایمان مسأله‌ای قلبی است و با عمل صالح و بایدها و نبایدها و تکالیف دین ارتباطی ندارد.<sup>۲</sup> این گروه با توسل به آیه ۱۰۶ سوره توبه که می‌فرماید: "برخی دیگر از گناهکاران آنهایی هستند که کارشان بر مشیت خدا موقوف است یا به عدل آنان را عذاب کند و یا به لطف و کرم از گناهشان درگذرد و خدا دانا و حکیم است." اعتقاد داشتند قضاوت درباره گناهکاران از وظایف ما در این دنیا نیست و باید داوری را بر عهده خداوند در روز قیامت گذاشت.

جریان مرجئه، اعتقاد داشتند که مسلمان با ارتکاب گناه کبیره از اسلام خارج نمی‌شود. همین عقیده، موجب شد که سیاست خود را بر اطاعت بی‌چون و چرا از دولت اموی استوار سازند. این فرقه، خلفا را چون به حکم ظاهر مسلمان بودند، مؤمن می‌شمردند و خروج بر آنها را روا نمی‌دانستند یا دست‌کم تشویق نمی‌کردند.<sup>۳</sup> این عقیده که مرتکب کبیره از امت طرد نمی‌شود، بدان معنا بود که خلیفه اموی، به صرف این‌که مرتکب اعمالی شده که برخی مسلمانان

۱. ارشاد، ج ۲، ص ۲۱۳.

۲. عبدالقاهر بغدادی، الفرق بین الفرق، ص ۱۴۵.

۳. زرین کوب، تاریخ ایران بعد از اسلام، ص ۳۶۳.

آن را گناه می‌دانند، از عضویت در امت اسلامی محروم نمی‌شود. از این رو، قیام علیه امویان را مشروع نمی‌دانستند.<sup>۱</sup> شیوه برخورد مرجئه با بنی‌عباس نیز مسالمت‌آمیز بود. مصالحه مرجئه با امویان و سکوت آنان در برابر مخالفت بنی‌امیه با کتاب و سنت، موجب جدایی قدریه از آنان گردید.<sup>۲</sup> امام کاظم 7 هم‌چون دیگر ائمه، در برابر اعتقاد نادرست مرجئه عقاید آنان را به ویژه درباره تشبیه و جسمانیت خداوند باطل شمردند؛ زیرا هر سه گروه مرجئه، خدا را جسم می‌دانستند در چهره آدمی،<sup>۳</sup> آن حضرت در برابر اینان به شیعیانش هم‌چون هشام‌بن حکم، با یادآوری آفرینش نظام خلقت به وسیله خداوند، توحید صحیح و دوری از شرک را آموزش می‌دادند.<sup>۴</sup> درباره عقیده مرجئه فرمودند:

ایمان درجات و مراتبی دارد: مرتبه‌ای که در کمال، تمام است؛ مرتبه‌ای که کاملاً ناقص است و مرحله‌ای میانه که می‌توان بر آن افزود.<sup>۵</sup>

## ۲. جهمیه

اینان پیرو جهم‌بن صفوان بودند که او در کارها به جبر قائل بود و اختیار را انکار می‌کرد. به باور وی، هیچ‌کس را جز خداوند توانایی بر کاری نیست و نسبت دادن کارها بر بندگان روی مجاز است. جهم‌بن صفوان در ماوراءالنهر با حارث‌بن سریج متحد شد و بر نصر بن سیار شورید و به دست سلم‌بن احوز مازنی کشته شد.<sup>۶</sup>

۱. مونتگمری وات، ص ۴۹.

۲. حسین عطوان، فرقه‌های اسلامی در سرزمین شام، ص ۱۵.

۳. ابوالحسن اشعری، مقالات الاسلامیین، ص ۷۹.

۴. ابن شعبه حرانی، تحف العقول، ص ۴۴۷.

۵. رسول جعفریان، حیات فکری - سیاسی امامان شیعه، ص ۴۲۰.

۶. عبدالقاهر بغدادی، همان، ص ۱۵۴.

### ۳. قَدْرِيه

بحث جبر و اختیار، از کهن‌ترین مباحثی به‌شمار می‌آید که در عقیده اسلامی ظهور نموده است. مباحثی در این باره در قرآن و سیره رسول خدا ۹ و عترت ایشان وجود دارد و نخستین گفت‌گوهای کلامی درباره آن انجام گرفته است. اختیار انسان، محوری‌ترین اندیشه قدریه بود که به اختیار و انتخاب خود کاری را انجام می‌دهد و در برابر آنچه عمل می‌کند، مسئول است. کسانی هم‌چون معبد جهنی، غیلان دمشقی و حسن بصری به این مباحث پرداخته‌اند. عقاید قدریه از همان آغاز با مخالفت‌های صحابه و تابعین روبه‌رو شد و افرادی هم‌چون ابن عباس، جابر بن عبدالله انصاری، انس بن مالک و عبدالله بن عمر با آن به مخالفت پرداختند.<sup>۱</sup> مسلک قدریه را در عراق معبد جهنی و در دمشق غیلان دمشقی تبلیغ می‌کردند ولی این اندیشه در عراق و بصره که پایگاه موالی بود، نشو و یافت و به آرامی جای خود را به معتزله داد و این جریان فکری در عصر امام کاظم ۷ در میان معتزله سرایت داشت. آن حضرت به اصحاب خود هم‌چون یونس بن عبدالرحمان می‌فرمود:

آیا قدریه نمی‌دانند خداوند فرموده است: "ماتَّشائُونَ إِلَّا أَنْ يَشَاءَ اللَّهُ" آنان چیزی را جز آنچه خدا بخواهد نمی‌خواهند.<sup>۲</sup>

### ۴. اهل حدیث

این دسته به ظاهر روایت تمسک می‌جستند. معاویه در جهت راهبردهای فرهنگی و ترویج نادانی و تقویت پایه‌های قدرت خود، گروهی از راویان و قصه‌پردازان را به دمشق فراخواند و با دادن پاداش چشم‌گیر، این گروه سیاست

۱. همان، ص ۱۱.

۲. انسان، آیه ۳۰.



هواداری از بنی‌امیه را طراحی کردند و برای امویان فضیلت‌تراشی نمودند. در تمامی عصر امویان، روایات بسیاری جعل و تحریف شدند به طوری که تنها ۵۳۷۴ روایت به ابوهریره نسبت داده شده و بخاری ۴۴۶ روایت از وی نقل می‌کند.<sup>۱</sup> این جریان تحریف و جعل روایت، به مرور گسترده‌تر شد به طوری که روند فکری جامعه اسلامی بر اساس این روایات شکل گرفت. پیروان این جریان در آغاز عثمانی نامیده شدند و سپس نام سنی به خود گرفتند.<sup>۲</sup> امام کاظم 7 هم‌چون اجدادشان در برابر این جریان فکری قیام کردند و به تبیین مکتب اهل بیت پرداختند. از آن جمله فرمودند:

کسانی که می‌پندارند خداوند به آسمان دنیا فرود می‌آید، خداوند فرود نمی‌آید و نیازی به فرود آمدن ندارد. تماشاگاه خداوند در دوری و نزدیکی برابر است و دوری و نزدیکی برای او تفاوتی ندارد و به چیزی نیاز ندارد بلکه همه عالم به او محتاج است.<sup>۳</sup> نمونه دیگر درباره آیه: (الْوَحْمَنُ عَلَى الْعَرْشِ اسْتَوَى) <sup>۴</sup> بود که اهل حدیث، ظاهر معنای آن را می‌گرفتند که خدا بر عرش ایستاده است. آن حضرت در رد نظر آنان فرمودند:

خداوند بر تمام امور کوچک و بزرگ عالم احاطه دارد.<sup>۵</sup>

##### ۵. جریان فقهی ابوحنیفه

نعمان بن ثابت متولد سال ۸۰ و متوفای سال ۱۵۰ هجری بود.<sup>۶</sup> وی مدتی پیرو محمد نفس زکیه بود و پیشنهاد منصور برای منصب قضا را نپذیرفت. او یکی از

۱. محمود ابوریه، شیخ المضیره ابوهریره، ص ۸۶.

۲. رسول جعفریان، همان، ص ۴۱۲.

۳. عطاردی، مسندالامام‌الکاظم، ج ۱، ص ۲۶۰.

۴. طه، آیه ۵.

۵. عطاردی، همان، ج ۱، ص ۲۶۲.

۶. ابواسحاق شیرازی، طبقات الفقهاء، ص ۸۷.

امامان چهارگانه اهل سنت و جماعت است. پیروان وی را اهل رأی و اصحاب رأی و قیاس گویند؛ زیرا ابوحنیفه با نظایر و اشباه استنباط حکم می‌کرد و اصحاب رأی و قیاس و اجتهاد و استحسان را روا می‌داشت. از شاگردان مشهور ابوحنیفه، محمد بن حسن شیبانی و قاضی ابویوسف، فقیه دربار هارون بود.<sup>۱</sup> جریان فقهی وی از سوی موالی به ویژه در خراسان پیروان بسیاری پیدا کرد. امام کاظم ۷ درباره ابوحنیفه می‌فرمود:

هر کسی بدون آگاهی فتوا دهد، ملائکه در زمین و آسمان او را لعنت خواهند کرد. وای بر شما از قیاس! خداوند هر کسی را که پیش از شما به قیاس دست زد هلاک کرد. لعنت خدا بر ابوحنیفه که می‌گفت: "علی ۷ چنین گفت من هم چنان می‌گویم."<sup>۲</sup>

#### ۶. جریان فقهی و حدیثی مالکی

مالک بن انس از فقها و محدثان مدینه و حجاز متولد سال ۹۵ و متوفای ۱۷۹ هجری بود.<sup>۳</sup> وی هماهنگ با سیاست‌های منصور بود. لذا منصور دستور داد تا کتابش به نام الموطا را بر مردم تحمیل کنند و مالک را سرپرست کارگزاران عباسی در حجاز قرار داد.<sup>۴</sup> جریان فقهی وی به یکی از ارکان چهار فقه اهل سنت تبدیل گردید.

#### ۷. جریان فقهی امام شافعی

محمد بن ادریس شافعی متولد سال ۱۵۰ و متوفای سال ۲۰۴ هجری و از

۱. ابوالمعالی محمد حسینی علوی، بیان الادیان، ص ۳۱.

۲. عطار دی، ج ۱، ص ۲۴۴.

۳. ابواسحاق شیرازی، همان، ص ۵۳.

۴. سید منذر حکیم، پیشوایان هدایت، ج ۹، ص ۱۹.

فقه‌های مشهور ساکن مکه بود.<sup>۱</sup> جریان فقهی وی به یکی از چهار رکن فقه اهل سنت تبدیل شد. شافعی مذهب مالکی را با ابوحنیفه ممزوج کرد و فقه را از فقیه حنفی عراق محمدبن حسن شیبانی آموخت و جامع اصحاب حدیث و اصحاب رأی شد. اصل منابع اجتهاد شافعی قرآن، سنت، اجماع و پس از آن قیاس بود.

### ۸. جریان فکری معتزله

ظهور اولیه معتزله را به داستان متواتری مربوط به حسن بصری دانسته‌اند که هنگام پاسخ به شاگردش واصل بن عطا درباره جایگاه مرتکب گناه کبیره گفت: «جایگاه چنین شخصی در "المنزله بین المنزلتین" قرار دارد.» از همین جا واصل از استادش کناره‌گیری کرد و حسن درباره وی گفت: «او از ما کناره گرفت.» پیش‌تر معتزله آرای واصل را پذیرفتند و او به عنوان مؤسس اصلی معتزله شناخته شد.<sup>۲</sup> معتزله بر پنج اصل به عنوان اصول اعتقادی خود اتفاق نظر دارند؛ این اصول عبارتند از:

۸-۱- توحید یعنی خدا یگانه است و شریکی ندارد و شنوا و بیناست.<sup>۳</sup>

۸-۲- اصل عدل به معنای خداوند عادل است. معتزله بر اختیار و تکلیف انسان اصرار داشتند. بر اساس این اصل، سرنوشت نهایی بشر را به دست خود وی می‌دانستند.

۸-۳- اصل وعد و وعید به معنای این است که خداوند در سرای دیگر، نیکوکاران را پاداش بهشت و بدکاران را کیفر دوزخ دهد.

۸-۴- «المنزله بین المنزلتین» به معنای این است که مرتکب کبیره فاسق است و در جایگاهی میانه کفر و ایمان قرار دارد.

۱. ابواسحاق شیرازی، همان، ص ۶۰.

۲. عبدالقاهر بغدادی، همان، ص ۷۵.

۳. اشعری، همان، ص ۸۱.

۸-۵- امر به معروف و نهی از منکر، به معنای در دل منکر را ناخوشایند دانستن و به زبان به معروف دعوت کردن و از منکر بازداشتن است.<sup>۱</sup> معتزله در توجیه عقلانی مسائل دینی، راه افراط را در پیش گرفتند و گاهی صفات متضاد به خداوند نسبت می‌دادند و گاهی صفاتی را که قرآن برای خداوند برشمرد، منکر می‌شدند. امام کاظم ۷ درباره آنان فرمود:

خداوند بالاتر از آن است که کسی بتواند به حقیقت صفت او برسد. پس او را آن گونه که خودش توصیف کرده، وصف کنید و از غیر آن بازایستید.<sup>۲</sup>

کارگزاران فکری و فرهنگی معتزله، در عصر امام کاظم ۷ افرادی هم‌چون عمرو بن عبید و ابوالهذیل عَلاف بودند که شهرت بسیاری داشتند. ابوالهذیل افراد بسیاری از زرتشتیان را به اسلام دعوت کرده بود. در جریان این امواج فکری و فرهنگی، هشام بن حکم یکی از شاگردان امام کاظم ۷ مناظره‌های بسیاری با آن دو نفر<sup>۳</sup> داشت که بنابر روایات شیعیان بر همه آنان پیروز می‌شد. وی ردیه‌های بر معتزله هم‌چون الرد علی المعتزله نوشت.<sup>۴</sup>

## ۹. جریان غالیان

در عصر امامان صادقین ۷ غالیان به واسطه رهایی از انجام دادن واجبات دین و ترک محرمات، دنیاطلبی و کسب شهرت، جذب مریدان، تعصب و کج‌فهمی و بی‌بصیرتی در دین به جریان فکری و فرهنگی گسترده‌ای تبدیل شدند. آنان ابتدا ادعای ارتباط با امامان داشتند، سپس تحت تأثیر افکار خرمدینان، زندیقان، دهریان و مزدکیان مدعی نبوت و خدایی امامان شدند. پیروان غالیان پا را از این

۱. اشعری، همان، ص ۱۵۰ و مونتگمری وات، همان، ص ۷۴.

۲. اصول کافی، ج ۱، ص ۲۹۵.

۳. شهرستانی، الملل والنحل، ج ۱، ص ۷۴ و ۲۴۶.

۴. رجال نجاشی، ص ۳۳۰؛ عبدالله نعمه، فلاسفه الشیعه، ص ۵۱۸.

هم فراتر نهاده، مدعی تناسخ و نبوت و فرشته بودن رهبران خود هم‌چون ابوالخطاب اسدی شدند.<sup>۱</sup> خلفای بنی‌عباس نیز استفاده فراوانی از آنان می‌کردند. به همین سبب، امام صادق 7 برای جلوگیری از رسوخ افکار انحرافی و آشفتگی در عقاید شیعیان و جلوگیری از منزوی شدن و اتهام و بدبینی نسبت به تشیع، به خنثی‌سازی افکار منحرف آنان ناگزیر شدند و شیعیان را از ارتباط و هم‌نشینی با آنان بر حذر داشتند و غالیان را تکفیر می‌کردند و بر آنان لعنت می‌فرستادند. از آن جمله فرمودند:

از روایات ما جز آنچه را موافق قرآن و سنت و یا شاهی از سخنان پیشین ما بر آنها داشته باشید نپذیرید.<sup>۲</sup>

جریان غالیان در عصر امام کاظم 7 تداوم یافت و دسته‌های گزافه‌گویان، فرقه‌های جدیدی پدید آوردند و عقاید گوناگونی را مطرح کردند؛ از جمله بقایای پیروان ابوالخطاب که محمدبن اسماعیل را جایگزین وی دانستند. از فرقه مبارکیه نیز دسته‌ای پدید آمدند که به نام پیشوای خود قرمطویه نبطی، قرامطه نامیده شدند. اینان معتقد بودند محمدبن اسماعیل نمرده و او مهدی قائم است و به پیامبری برخیزد و آیین حضرت محمد 9 را از میان بردارد و نسخ کند. آنان می‌گفتند محمدبن اسماعیل از پیامبران اولوالعزم است که هفت تن به نام‌های نوح، ابراهیم، موسی، عیسی، حضرت محمد 9، علی و محمدبن اسماعیل هستند.<sup>۳</sup> فرقه ناووسیه از دیگر غالیان بودند. به اعتقاد آنان، امام صادق 7 نمرده و نمی‌میرد و او مهدی است و سرانجام آشکار می‌شود و بر مردمان فرمان‌روایی می‌کند.<sup>۴</sup> امام کاظم 7 یارانش را از ارتباط با غالیان بر حذر می‌داشتند و افکار غلط آنان را

۱. نویختی، فرق الشیعه، ص ۶۹ و ۷۴.

۲. عطاردی، همان، ج ۱، ص ۲۵۲.

۳. فرق الشیعه، ص ۱۰.

۴. همان، ص ۱۰۰.

تبیین می‌کردند و افکار مغیره بن سعید و ابن ابی زینب را تکذیب می‌فرمودند و محمد بن بشیر را نجس می‌شمردند و بر او لعن می‌فرستادند.<sup>۱</sup> آن حضرت اعتقاد درست درباره امامت را به یارانش آموزش می‌دادند تا در دام غالیان گرفتار نشوند.<sup>۲</sup>

### ۱۰. جریان خوارج

خوارج بیست فرقه بودند و هر فرقه نیز به گروه‌هایی تقسیم می‌شدند. اعتقاد مشترک همه آنان چنین است که امام علی ۷، عثمان، اصحاب جمل، حکمین، راضی‌شوندگان به داوری در میان آن حضرت، معاویه و کسانی که تصویب رأی حکمین یا یکی از آن دو را پذیرفتند، کافر هستند و قیام بر حاکم ستمگر واجب است.<sup>۳</sup> محکمه، ازارقه، نجدات، صفریه، شبیبیه، شبیبانیه و اباضیه مشهورترین گروه‌های خوارج بودند. آنان در دوره معاویه، عبدالله بن زبیر و عبدالملک بن مروان، پیوسته با خلفا درگیری داشتند. در این ایام مهلب بن ابی صُفره و پسرانش طی نوزده سال پیوسته با خوارج در جنگ و گریز بودند. خوارج پیوسته با خلفای مروانی و عباسی درگیری داشتند. آنان در عصر امام کاظم ۷ در عمان و سیستان، با خلفای عباسی می‌جنگیدند. آنان در سیستان، در هر فرصتی که پیش می‌آمد، علیه والیان عباسی می‌شوریدند و تا خراسان پیشروی کردند. حصین خارجی در سال ۱۷۵ و حمزه بن اذکر در سال ۱۷۸ قمری شورش کردند. جنبش خوارج در سیستان تا دوره معتصم تداوم یافت و به وسیله طاهریان سرکوب شد.<sup>۴</sup>

خوارج اباضیه در سال ۱۳۵ هجری تحت امامت جُلندی بن مسعود به سواحل

۱. عطاردی، همان، ج ۱، ص ۴۳۰.

۲. همان، ص ۳۱۵.

۳. عبدالقاهر بغدادی، همان، ص ۴۲.

۴. تاریخ سیستان، ص ۱۵۴.

خلیج فارس رفتند و در سال ۱۷۷ هجری، موفق به تشکیل دولتی در عُمان شدند.<sup>۱</sup>

### ۱۱. جریان زندیقان

در عصر خلافت منصور، عبدالله بن مقفع برخی آثار مانویان را به عربی ترجمه کرد. برخی از مادیون و دهریون هم چون ابن ابی العوجا، حماد بن عجرد، یحیی بن زیاد و مطیع بن ایاس، در تأیید مذاهب مانوی، دیسانیان و مرقیونیان، کتاب‌هایی نگاشتند. به سبب نفوذ این افکار مادی و انحرافی، زندیقان فراوان شدند و اعتقاداتشان در میان مردم گسترش یافت. مهدی عباسی دستور داد تا کتبی در رد بر ملحدان و منکران دین نگاشته شود و به مبارزه با زندیقان همت گماشت.<sup>۲</sup> جریان زندیقان پس از این هم خاتمه نیافت و خرمدینان در گرگان در سال ۱۶۲ و بار دیگر در ۱۸۱ قمری شورش کردند.<sup>۳</sup> هم‌چنین در آذربایجان، اصفهان، ری، همدان و دیلم، سر به شورش برداشتند. آنان در آذربایجان، رهبری جاویدان بن شهرک را پذیرفتند. وی آیین خرمدینان را احیا کرد و به تناسخ معتقد بود. پس از مرگ وی به سفارش همسرش، خرمدینان بابک را به جانشینی وی برگزیدند. بابک تا دوران معتصم پیوسته با نیروهای عباسی و مسلمانان آذربایجان در جنگ و گریز بود.<sup>۴</sup> المقنع از دیگر زندیقان بود که در سال ۱۶۰ قمری ادعای پیامبری و تناسخ کرد. پیروان وی را سپیدجامگان می‌گفتند. وی در سال ۱۶۳ هجری پس از دو سال محاصره در قلعه «کش» کشته شد.<sup>۵</sup>

### ۱۲. اهل کتاب

از دیدگاه قرآن پیروان چهار آیین یهودی، مسیحی، زرتشتی و صائبی

۱. نزوی عبر التاریخ، عبر التاریخ، ص ۱۲۳.

۲. مسعودی، مروج الذهب، ج ۴، ص ۳۱۵.

۳. تاریخ طبری، ج ۶، ص ۳۷۳ و ۴۷۱.

۴. ابن ندیم، فهرست، ص ۶۱۰.

۵. تاریخ طبری، ج ۶، ص ۳۷۴.

اهل کتاب محسوب می‌شوند.<sup>۱</sup> از دوران هجرت، عده‌ای از یهودیان به آرامی مسلمان شدند و در عصر خلفا به صورت مشاوران خلفا درآمدند. کعب بن ماته مشهور به کعب الاحبار، عبدالله بن سلام و محمد بن کعب قرظی از جمله اینان بودند. این گروه از یهودیان با راهبری فرهنگی، به نشر روایات تورات درباره تفسیر و شرح حیات پیامبران در جامعه اسلامی پرداختند. این روایات تحریفی و جعلی در حجم وسیعی به نام «اسرائیلیات» شکل گرفت و بسیاری از اخباریان و مورخان به آن‌ها اعتماد کردند و آن‌ها را نقل نمودند. امام کاظم ۷ همچون دیگر امامان شیعه، با بیان موثق اخبار انبیا، مبارزه با این تحریفات و اسرائیلیات را جزو راهبردهای فرهنگی خود و شیعیان قراردادند.<sup>۲</sup> در عصر حضرت یهودیان در یمن، بغداد، خوزستان، اصفهان، فارس، کوهستان، خراسان، شام، بیت المقدس، مصر و اندلس زندگی می‌کردند.<sup>۳</sup> آنان گاهی در مناظره با مسلمانان در مورد عقاید اسلامی تشکیک ایجاد می‌کردند. گاهی نیز به خدمت امامان شیعه می‌رسیدند و سؤالات خود را مطرح می‌کردند. از جمله روزی عده‌ای از یهودیان خدمت امام صادق ۷ رسیدند و درباره تداوم جانشینی حضرت ابراهیم ۷ در نسل وی سؤال کردند. آن حضرت پاسخ را به فرزند پنج ساله خود موسی بن جعفر ۷ حواله نمودند. امام کاظم ۷ پاسخ لازم را به آنان دادند و یهودیان بر اثر جواب روشن آن حضرت مسلمان شدند.<sup>۴</sup>

علاوه بر یهودیان، گروهی از مسیحیان فرقه نسطوری نیز در یمن، مصر، برخی از شهرهای بین‌النهرین، بغداد، خوزستان، ری، فارس، خراسان، سیستان و

۱. حج، آیه ۱۷.

۲. عطاردی، همان، ج ۱، ص ۲۷۵.

۳. اشپولر، تاریخ ایران در قرون نخستین اسلامی، ج ۱، ص ۳۹۳.

۴. عطاردی، همان، ج ۱، ص ۱۶۱.



اصفهان، شام، بیت‌المقدس، ارمنستان و اندلس در میان مسلمانان زندگی می‌کردند.<sup>۱</sup> به جز مسیحیان برخی از صابئین در شام، عراق، جزیره و خوزستان سکونت داشتند. زرتشتیان نیز در بسیاری از شهرهای ایران مثل خوزستان، فارس، اصفهان، ری، طبرستان، یزد، کرمان و خراسان زندگی می‌کردند.<sup>۲</sup> در بغداد چنان اهل کتاب زیاد شده بودند که هارون دستور داد داروغه بغداد آنان را وادار کند تا لباس مخصوص بپوشند.

این گروه اهل کتاب گاهی خدمت امامان شیعه می‌رسیدند و به مناظره می‌پرداختند. از آن جمله، گروهی از دانشمندان مسیحی نجران خدمت امام کاظم 7 رسیدند و پس از مذاکره با آن حضرت، ایمان آوردند و شهادتین گفتند.<sup>۳</sup>

### ۱۳. جریان زیدیه

زیدیان پس از قیام زید بن علی بن الحسین 7 به امامت زید معتقد شدند. اینان پس از قیام عبدالله بن معاویه و سپس محمد بن عبدالله مشهور به نفس زکیه و برادرش ابراهیم در سال ۱۴۵ هجری در میان شیعیان قدرت گرفتند. اهم اعتقادات زیدیان را می‌توان چنین برشمرد:

۱۳-۱- فرزندان امام علی 7 از نسل امام حسن 7 و امام حسین 7 شایستگی امامت را به شرط قیام دارا هستند.

۱۳-۲- نص بر امامت علی 7 وجود ندارد و امامت ایشان به وصف است.

۱۳-۳- امام علی 7 بر ابوبکر و عمر برتری داشتند ولی امامت به کسی می‌رسد که مردم از او اطاعت کنند.

---

۱. اشپولر، همان، ج ۱، ص ۳۸۰.

۲. همان، ص ۳۵۰.

۳. عطاردی، همان، ج ۲، ص ۱۷۶.

۱۳-۴- نباید ابوبکر و عمر را سب و لعن کرد ولی عثمان و طلحه و زبیر را نقض می‌کردند.

۱۳-۵- شایسته امامت کسی است که به دعوت خود خروج کند و بیعت با وی درست است.

۱۳-۶- وجوب امر به معروف و نهی از منکر با شمشیر.<sup>۱</sup>

زیدیان در عصر امام کاظم ۷ به رهبری حسین بن علی از نسل امام حسن ۷ به دلیل ستم والیان عباسی به علویان و اذیت و آزار آنان در سال ۱۶۹ قمری، در مقابل هادی عباسی در مکه قیام کردند ولی از سپاه عباسی شکست خوردند و تعدادی در محل فح در مکه به شهادت رسیدند. امام کاظم ۷ در برابر فرمانده عباسی از شخصیت معنوی وی دفاع کردند.<sup>۲</sup> پس از شکست این قیام، ادريس بن عبدالله برادر نفس زکيه که زخمی شده بود، به مغرب اقصی رفت و قیام کرد و دولتی تشکیل داد. هارون الرشید، سلیمان بن جریر فقیه و متکلم زیدی را با وعده پاداش بسیار بفریفت و او را به نزد ادريس فرستاد تا او را مسموم کند. سلیمان نیز به مغرب رفت و ادريس را در فرصتی مناسب در سال ۱۷۷ قمری مسموم کرد و فرار نمود.<sup>۳</sup> جانشینان وی، دولت او را تا اوایل قرن چهارم ادامه دادند.

یکی دیگر از برادران نفس زکيه به نام یحیی بن عبدالله پس از قیام فح به دیلم فرار کرد. وی یکی از راویان امام صادق ۷ بود. او با کمک پادشاه جُستانی دیلم در سال ۱۷۶ قمری قیام کرد. هارون فضل بن یحیی برمکی را مأمور خاموش نمودن قیام کرد. وی با امان نامه هارون موفق به دستگیری یحیی

۱. اشعری قمی، المقالات والفرق، ص ۱۴۵.

۲. ابوالفرج اصفهانی، مقاتل الطالبیین، ص ۳۸۰.

۳. همان، ص ۴۰۸.

شد.<sup>۱</sup> بدین سان این قیام‌ها تغییرات اجتماعی - فرهنگی گسترده و زود هنگامی را ایجاد می‌کرد و به دلیل تحت کنترل بودن امام کاظم 7 و مشی تقیه آن حضرت، شیعیان عمل‌زده تحت تأثیر آن‌ها قرار می‌گرفتند و در کوتاه مدت، جذب عقاید زیدیه می‌شدند. رهبران زیدیه گاهی رقابت‌های سختی با آن حضرت می‌کردند. از آن جمله سلیمان بن جریر (متوفی ۱۹۳) که به امامت مفضل بر فاضل قائل بود.<sup>۲</sup>

#### ۱۴. جریان شیعیان اسماعیلی

پس از شهادت امام صادق 7 گروهی از شیعیان مدعی شدند که اسماعیل فرزند آن حضرت، نمرده است و نخواهد مرد و همو مهدی قائم و پس از پدرش امام است. اینان را اسماعیلیان ویژه یا خالصه می‌خوانند.<sup>۳</sup> گروهی دیگر از شیعیان اسماعیلی، عقیده داشتند که پس از امام جعفر 7 نواده او محمد بن اسماعیل امام است. به عقیده آنان، هنگامی که اسماعیل درگذشت، پسرش را جانشین قرار داد. پیروان این عقیده به نام پیشوایشان مبارک غلام اسماعیل، مبارکیه خوانده می‌شوند.<sup>۴</sup> محمد چون به عمویش رشک می‌برد به وسیله یحیی برمکی فریفته شد و در سفر به بغداد نزد هارون از امام کاظم 7 سعایت کرد و گفت:

من گمان نمی‌کردم در زمین دو خلیفه باشد، تا دیدم به عمویم موسی بن جعفر نیز سلام به خلافت می‌کنند.<sup>۵</sup>

۱. طبری، همان، ج ۶، ص ۴۴۹.

۲. شهرستانی، همان، ج ۱، ص ۱۶.

۳. ارشاد، ج ۲، ص ۲۰۱.

۴. اشعری قمی، همان، ص ۱۵۲.

۵. اصول کافی، ج ۳، ص ۴۱۴.

### راهبردهای مهندسی فرهنگی امام کاظم ۷

آن حضرت بر خلاف محدودیت، کنترل و فشار و تنگناهای سیاسی و از این زندان به زندان دیگر رفتن، در محیط پر آشوب فکری و فرهنگی جهان اسلام و کانون آن یعنی بغداد و مهاجرت دانشمندان ملل و نحل گوناگون به آنجا و ترجمه آثار علمی دهریان، مانویان و هندیان و میراث علمی ایرانی و سریانی و نفوذ گسترده افکار الحادی در جهان اسلام، شیعیان را با راهبردهای مهندسی فرهنگی خود، به ساحل نجات رسانیدند و مدعیان امامت را از سر راه خود برداشتند و با تبیین اعتقاد درست اسلامی و تدوین نقشه راهبردی فرهنگی، به صیانت و حراست از کیان اسلام و تشیع و عقاید دوست‌دارانش پرداختند. اهم اقدامات آن حضرت عبارتند از:

۱. رهبری فکری مسلمانان و شیعیان: محافظت از عقاید اسلامی مبتنی بر قرآن و سنت و عترت و زدودن شبهات شیعیان و مسلمانان و حتی اهل کتاب با مناظره، اعزام مبلغ و تعیین وکلا، و نگارش میراث حدیثی و مجموعه روایاتی که از آن حضرت در مسند ایشان باقی مانده که شامل ۲۲۹۱ روایت، مناظره، دعا، رساله و غیره است. این حرکت علمی، به یک جنبش و جریان و دیده‌بان فکری و فرهنگی مستقل و اثرگذار ارتقا یافت. سنخ‌شناسی آن‌ها شامل مباحث گوناگون عقاید، اخلاقیات و احکام دین است. مباحثی هم‌چون عقل و علم، توحید، اخبار انبیا و نبوت، امامت و رهبری و فضایل ائمه، فضایل اصحاب، ایمان و کفر، اخلاق جمعی و ارتباطات، معاد، مواعظ، جنازه و احکام آن، ارث، وصیت، دیات، حدود، قضا و شهادت، نذر، صید، آزاد کردن بنده، اطعمه و اشربه، حیوانات، زینت، فرزندان، طلاق، ازدواج، جهاد، حج، سفر، اقتصاد، سبک زندگی، زکات، روزه، نماز، طهارت، احتجاجات، دعا و قرآن از ایشان باقی مانده است.

۲. نقد عقاید انحرافی و الحادی و ملل و نحل گوناگون: آن حضرت و

یاران ایشان با مناظره با اهل ادیان و فرق و پاسخ به سؤالات، شبهات و تشکیک‌های آنان، و نگارش ردیه‌ها، عقاید آنان را نقد می‌کردند؛ از جمله در ملاقاتی با یونس بن عبدالرحمان به نقد افکار ابوحنیفه پرداختند و او را از بدعت در دین بر حذر داشتند و فرمودند:

یا یونس از، بدعت‌گذاران نباش و هرکس اهل رأی گردید هلاک می‌شود. هر که خاندان رسول‌الله ﷺ را ترک کرد، گمراه می‌گردد و هرکس قرآن و گفتار رسول خدا ﷺ را کنار گذاشت، کافر شود.<sup>۱</sup>

**۳. توانمندسازی فکری و عقلی شیعیان:** آن حضرت برای شکوفایی استعداد و توانمندسازی یاران خود به مباحث تربیتی و آموزشی در رساله‌ای به هشام بن-حکم، به تبیین جایگاه عقل و بصیرت در اندیشه اسلامی پرداختند و فرمودند: ای هشام، خداوند تبارک و تعالی اهل عقل و فهم را بشارت داده، می‌فرماید: «آن بندگان که سخنان را گوش می‌کنند و از بهتری‌نش پیروی نمایند، آنان را خدا هدایتشان کرده و اینان خردمندان هستند.»<sup>۲</sup> ای هشام، خداوند به وسیله عقل، حجت را بر بندگان تمام نموده و با بیان آن‌ها و ابلاغ به راهنمایان، به ربوبیت خود راهنمایی کرده است و فرموده: «خدای شما یگانه و جز او خدایی نیست؛ بخشنده و مهربان است. همانا در آفرینش زمین و آسمان و اختلاف شب و روز برای خردمندان نشانه‌هایی است.»<sup>۳</sup>

در فقره دیگری از همین رساله فرمودند:

ای هشام، خلق را به طاعت خدا گماشته‌اند و جز به طاعت نجات نیست و طاعت به علم است و علم به آموزش، آموختن به عقل است و علم جز از دانشمند ربانی زاییده نشود و عالم را با عقل می‌توان شناخت<sup>۴</sup>

۱. عطاردی، همان، ج ۱، ص ۲۴۵.

۲. زمر، آیه ۱۸.

۳. ابن شعبه حرانی، همان، ص ۴۴۷.

۴. همان، ص ۴۵۱.

این جریان عقل‌گرایی در فرهنگ شیعه، زمینه را برای رشد علوم عقلی و کلامی و فلسفی در میان شیعیان فراهم کرد و پس از این، متکلمان بزرگی هم‌چون خاندان نوبختی و فضل‌بن‌شاذان نیشابوری و... پیدا شدند.

۴. **تدوین نظام آموزشی و پژوهشی:** هسته سخت شیوه آموزشی و پژوهشی امام کاظم ۷، بر سؤال از عالم و هم‌نشینی با حکما و کتابت علم بود. آن حضرت از قول رسول خدا ۹ به یارانش می‌فرمود:

خردمندان امت من چهار چیز را عمل می‌کنند: گوش دادن به علم، محافظت

از دانش، انتشار دانش در میان اهل علم و عمل به آن.<sup>۱</sup>

شیوه آموزشی آن حضرت به گونه‌ای بود که دریچه‌های اجتهاد و نوآوری علمی بر روی آنان بازگردد و بنیان علمی آن‌ها تقویت شود و به خودباوری، استقلال و اعتماد به نفس دست یابند. تعقل و تفکر و مباحثه، سؤال، مناظره و آشنایی با دیدگاه‌های دیگران، راه را برای تحقیق و جست‌جوی علمی و تحول و نظریه نو فراهم می‌کرد.

۵. آن حضرت برای تشویق و دادن روحیه علمی به یاران خود، بارها مقام علمی و معنوی برخی از یاران را می‌ستودند و آن‌ها را بهشتی معرفی می‌کردند. آن گونه که برای علی بن یقظین دعا کردند و او را اهل بهشت معرفی فرمودند.<sup>۲</sup>

۶. **مناظره باملل و نحل گوناگون:** آن حضرت برای گسترش دانش و هدایت اهل کتاب و فرق اسلامی، به مناظره با آنان می‌پرداختند و یاران خود را نیز به مناظره و گفت‌گویی علمی تشویق می‌کردند؛ از جمله با یهودیان و مسیحیان مناظره می‌نمودند و آنان شیفته عقاید ایشان گردیده، مسلمان می‌شدند.<sup>۳</sup> آن حضرت با رهبران فرقه حنفی مثل محمد بن حسن شیبانی و فقهای درباری مثل

۱. عطار دی، همان، ج ۱، ص ۲۴۸.

۲. همان، ج ۱، ص ۴۲۴.

۳. همان، ج ۲، ص ۱۶۱ و ۱۷۰.

قاضی ابویوسف درباره مُحرمی که زیر سایه برود مناظره‌هایی داشتند. امام کاظم 7 در پاسخ به سؤال ابویوسف درباره مُحرمی که به اختیار زیر سایه رود و مُحرمی که در محمل سایه‌دار سوار شود. فرمودند:

مُحرم می‌تواند زیر سایه راه رود ولی نمی‌تواند سوار بر محمل سایه‌دار شود.

محمد از پاسخ آن حضرت خندید و مسخره کرد. امام کاظم 7 پاسخ دادند:

آیا از سنت رسول‌الله ﷺ تعجب می‌کنی و آن را مسخره می‌کنی؟ ای محمد

احکام الهی قیاس‌بردار نیست و اگر کسی برخی را با برخی دیگر قیاس کرد

گمراه می‌شود.<sup>۱</sup>

آن حضرت به یاران خود که توانایی علمی داشتند هم‌چون محمدبن حکیم دستور می‌دادند در حلقه‌های علمی مسجدالنبی حضور یابند و به مناظره و گفتگو با فرق دیگر پردازند. محمد پس از بازگشت، گزارشی از مناظره خود خدمت امام کاظم 7 می‌داد.<sup>۲</sup>

۷. **تربیت اخلاقی جامعه:** در عصر امام کاظم 7 خلفای عباسی مثل مهدی و هارون، روزگار خویش را به عیش و عشرت می‌گذراندند. وقتی خلفا چنین روشی داشتند، جامعه نیز به روش آنان اقتدا می‌کرد. وقتی فساد و فحشا، شراب‌خواری و رشوه همه جا سرایت کرد، در این صورت رهبر معنوی جامعه به اتخاذ تدابیری برای رفع این معضل اخلاقی ناگزیر خواهد بود. لذا آن حضرت با راهکارهای گوناگون، به تربیت اخلاقی جامعه دست زدند. ایشان با عبادت و نقل دعاها و روایات گوناگون اخلاقی، اهداف تربیتی خود را دنبال می‌کردند. عبادت طولانی ایشان، زندانبانان را تحت تأثیر قرار می‌داد. مردم از تلاوت قرآن حضرت می‌گریستند و او را «زینت‌المتهدجین» می‌نامیدند.<sup>۳</sup>

۱. همان، ص ۱۶۱.

۲. رجال طوسی، ص ۵۰۵، شماره ۸۴۴.

۳. ارشاد، ج ۲، ص ۲۲۷.

آن حضرت در برنامه تربیتی خود به یارانش می‌فرمود:

بهترین وسیله تقریب به خدا پس از معرفت، نماز خواندن و نیکی به پدر و مادر و دور کردن حسد و خودبینی و فخرفروشی است.<sup>۱</sup>

۸. کادرسازی و تربیت شاگردان: امام کاظم ۷ در برابر امواج سهمگین التقاط فرهنگی و هجوم افکار انحرافی، به کادرسازی روی آوردند و بر خلاف تنگناهای گوناگون، بنیان علمی، عقلی و اخلاقی و ایمان یاران و شیعیانشان را استوار ساختند. در منابع رجالی نام ۲۷۴ نفر از راویان و یاران آن حضرت آمده است.<sup>۲</sup> اینان در حدیث، فقه، ادبیات، تفسیر، کلام و تاریخ، تخصص داشتند و از حریم بنیان‌های فکری شیعه محافظت می‌کردند. در منابع رجالی شیعه، شش نفر به نام‌های یونس بن عبدالرحمان، صفوان بن یحیی، محمد بن ابی عمیر، عبدالله بن مغیره، حسن بن محبوب و احمد بن محمد بن ابی نصر، مورد وثوق و دارای جلالت علمی هستند.<sup>۳</sup> علاوه بر این شش نفر، کسان دیگری مثل علی بن اسماعیل بن میثم تمار، هشام بن حکم، علی بن یقظین و محمد بن علی بن نعمان مشهور به مؤمن الطاق بودند که جنبش علمی شیعه را روشن نگه داشتند. در این جا مناسب است برای تبیین نقش کارگزاران فکری و فرهنگی شیعه به معرفی چند نفر از یاران آن حضرت به پردازیم.

#### ۸-۱- یونس بن عبدالرحمان

وی متولد حدود ۱۲۰ هجری و از موالی علی بن یقظین و متوفای ۲۰۸ هجری بود. در منابع رجالی ۳۵ اثر برای وی درباره فقه و کلام تفسیر و حدیث ثبت شده است.<sup>۴</sup> امام رضا ۷ درباره وی فرمودند: «او سلمان زمانش بود.» امام

۱. ابن شعبه حرانی، ص ۳۸۷.

۲. رجال طوسی، ص ۳۴۲ - ۳۶۵.

۳. همان، ص ۵۹۹، شماره ۱۰۵۰.

۴. رجال نجاشی، ص ۴۴۷.



هادی 7 نیز درباره کتاب یوم و ليله وی فرمودند: «این کتاب بر اساس دین من و پدران من نوشته شده و همه مطالب آن حق است.»<sup>۱</sup>

#### ۸-۲- علی بن اسماعیل

وی به متکلم مشهور بود و نخستین متکلم رسمی شیعه به شمار می‌آید. از جمله آثار وی کتاب‌های الامامه، الطلاق، النکاح، مجالس هشام و المتعه است.<sup>۲</sup>

#### ۸-۳- هشام بن حکم

زادگاه وی کوفه بود و در بغداد تجارت می‌کرد و در محله کرخ ساکن بود و در سال ۱۹۹ هجری از دنیا رفت. وی از بزرگ‌ترین متکلمان عصر امام صادق 7 و امام کاظم 7 بود. مناظرات بسیاری از وی نقل شده که با کمال شجاعت و مهارت با یک‌یک مخاطبان مباحثه و گفت‌گو می‌کرد. به همین سبب، در آثار وی چندین ردیه وجود دارد، مثل الرد علی اصحاب الطبیع، الرد علی اصحاب الاثنین، الرد علی ارسطاطالیس، الرد علی الزنادقه و الرد علی المعتزله. از دیگر آثار او کتاب‌های الامامه، المجالس فی الامامه و الجبر والقدر بود. و کتابی نیز به نام الفاظ داشت که به املائی امام صادق 7 بود.<sup>۳</sup>

هشام یکی از کارگزاران فکری بلندمرتبه در عصر امام صادق 7 و امام کاظم 7 به شمار می‌آید که تغییرات گسترده فرهنگی در کارنامه خود دارد. به همین سبب، مخالفان او به ویژه معتزله به او هتاک می‌کردند.

#### ۸-۴- مؤمن الطاق

نام وی محمد بن علی بن نعمان و ساکن کوفه بود. وی از قدمای متکلمان شیعه به شمار می‌آمد که با ابوحنیفه، مرجئه، معتزله و خوارج مناظره داشت. از جمله

۱. رجال طوسی، ص ۵۳۷.

۲. رجال نجاشی، ص ۲۵۲، شماره ۶۶۱.

۳. رجال طوسی، ص ۳۳۰، شماره ۴۷۵.

آثار وی احتجاج درباره امامت امام علی ۷ و رد بر خوارج و معتزله است. او یکی از یاران برجسته دو امام یادشده بود و نقش برجسته‌ای در جریان فکری آن دوره داشت؛ به گونه‌ای که مخالفانش به وی «شیطان الطاق» لقب داده بودند.<sup>۱</sup> بدین‌سان یاران و راویان امام کاظم ۷ نقش بزرگی در تغییرات فرهنگی بر عهده داشتند و موفق شدند اوضاع فرهنگی عصر خود را تغییر دهند.

### نتیجه

در عصر امامت موسی بن جعفر ۷ (۱۴۸-۱۸۳ق) دگرگونی‌های سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی گسترده‌ای در جهان اسلام اتفاق افتاد. این دگرگونی‌ها، شامل جریان زندقه، غالیان و معتزله، فراز و نشیب‌های گسترده‌ای داشتند. در این دوره، جریان‌های نوظهور تأثیرگذار حدیثی و فقهی مالکی، حنفی و شافعی را شاهد هستیم. امام کاظم ۷ در این عصر پرآشوب و متلاطم، برخلاف محدودیت‌ها و کنترل شدید و زندان‌های طولانی، با طراحی راهبردهای مهندسی فرهنگی، یک جریان تأثیرگذار فکری و فرهنگی را در جهان اسلام شکل دادند که تداوم نهضت علمی اجدادشان بود. آن حضرت با بیان روایات گوناگون شامل ۲۲۹۱ روایت، دعا‌های گوناگون، مناظره با صاحبان ادیان و مذاهب، نقد عقاید انحرافی و تبیین و تشریح عقاید درست اسلامی و شیعی، تدوین نظام آموزشی برای پیروان خود، توانمندسازی فکری و عقلی شیعیان و کادرسازی و تربیت اخلاقی عناصر مؤثر کارگزار فرهنگی، جریان فرهنگی گسترده‌ای را به وجود آوردند که زمینه‌ساز یک جنبش فکری عقل‌گرایانه و فلسفی در میان شیعیان شد. یاران آن حضرت با نگارش رساله و ردیه و آثار گران‌بها و نیز مناظره با فرق و ملل گوناگون، به توانمندسازی این نهضت علمی و فکری کمک کردند و به عناصر

۱. رجال نجاشی، ص ۳۲۵، ۸۸۶.

تأثیرگذار فرهنگی در این عصر تبدیل شدند. بدین‌سان تداوم و تغییر فکری و فرهنگی در میان شیعیان، پیوسته با تاریخ فرهنگی جهان اسلام در عصر امام کاظم 7 دیده می‌شود.

### منابع

\* قرآن مجید.

۱. ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، بیروت: دارالاضواء، ۱۴۰۵ ق.
۲. ابن ندیم، فهرست، تصحیح و ترجمه محمدرضا تجدد، تهران: امیرکبیر، ۱۳۶۶ ش.
۳. ابوریه محمود، شیخ المضیره ابوهریره، ترجمه محمدرحیدر گلپایگانی، تهران: کتاب‌فروشی محمدی، ۱۳۴۳ ش.
۴. ابن شعبه، حرانی حسن بن علی، تحف العقول عن آل الرسول، ترجمه احمد جنتی عطایی، تهران: انتشارات علمیه اسلامی، بی تا.
۵. اسپولریرتولد، تاریخ ایران در قرون نخستین اسلامی، ترجمه جواد فلاطوری، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۷۳ ش.
۶. اشعری، ابوالحسن علی بن اسماعیل، مقالات الاسلامیین و اختلاف المصلین، ترجمه محسن مؤیدی، تهران: امیرکبیر، ۱۳۶۲ ش.
۷. اشعری قمی، سعد بن عبدالله، المقالات و الفرق، تصحیح محمدجواد مشکور، ترجمه یوسف فضایی، تهران: انتشارات عطایی، ۱۳۷۱ ش.
۸. اصفهانی، ابوالفرج، مقاتل الطالبیین، تحقیق احمد صقر، بیروت: الاعلمی للمطبوعات، ۱۴۰۸ ق.
۹. بغدادی، عبدالقاهر، الفرق بین الفرق، به اهتمام محمدجواد مشکور، تهران: انتشارات اشراقی، ۱۳۸۵ ش.

۱۰. نویسنده گمنام، تاریخ سیستان، تصحیح ملک الشعراى بهار، تهران: مؤسسه خاور، ۱۳۶۶ ش.
۱۱. جعفریان، رسول، حیات فکری سیاسی امامان شیعه :، قم: انتشارات انصاریان، ۱۳۷۷ ش.
۱۲. حکیم سیدمنذر و همکاران، پیشوایان هدایت، ترجمه سیدحسین اسلامی، مجمع جهانی اهل البيت :، ۱۳۸۵ ش.
۱۳. زرین کوب، عبدالحسین، تاریخ ایران بعد از اسلام، تهران: امیرکبیر، ۱۳۶۳ ش.
۱۴. سبط ابن جوزی، تذکره الخواص، بیروت: مؤسسه اهل البيت، ۱۴۰۱ ق.
۱۵. شهرستانی، ابوالفتح محمدبن عبدالکریم، الملل والنحل، تحریر و ترجمه، مصطفی خالقداد هاشمی، تصحیح سیدمحمدرضا جلالی نائینی، تهران: انتشارات اقبال، ۱۳۶۲ ش.
۱۶. شیرازی، ابواسحاق، طبقات الفقهاء، تصحیح الشیخ خلیل المیس، بیروت: دارالقلم، بی تا.
۱۷. طبری، محمدبن جریر، تاریخ، بیروت: مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، ۱۴۰۹ ق.
۱۸. طوسی، حسن بن محمد، رجال، تحقیق سیدمحمد صادق آل بحرالعلوم، نجف: مطبعه حیدریه، ۱۳۸۱ ق.
۱۹. \_\_\_\_\_، اختیار معرفه الرجال، تحقیق محمدتقی فاضل میبدی و سیدابوالفضل موسویان، تهران: انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۸۲ ش.
۲۰. عطاردی، عزیزالله، مسند الامام الکاظم 7، مشهد: المؤتمر العالمی للامام الرضا 7، ۱۴۰۹ ق.
۲۱. عطوان، حسین، فرقه‌های اسلامی در سرزمین شام، ترجمه حمیدرضا شیخی، مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی، ۱۳۷۱ ش.
۲۲. علوی، ابوالمعالی محمدالحسینی، بیان الادیان، تصحیح عباس اقبال، تهران: انتشارات ابن سینا، بی تا.

۲۳. فرای، ریچارد، تاریخ ایران از فروپاشی دولت ساسانیان تا برآمدن سلجوقیان، ترجمه حسن انوشه، تهران: امیرکبیر، ۱۳۷۲ ش.
۲۴. کلینی، ابوجعفر محمدبن یعقوب، اصول کافی، ترجمه و شرح محمدباقر کمره‌ای، تهران: انتشارات اسوه، ۱۳۷۲ ش.
۲۵. مسعودی، علی بن الحسین، مروج الذهب، تحقیق محمد محیی‌الدین عبدالحمید، بیروت: دارالمعرفه، بی تا.
۲۶. مفید، محمدبن نعمان بغدادی، ارشاد، ترجمه و شرح رسولی محلاتی، تهران: انتشارات علمیه اسلامی، ۱۳۴۷ ش.
۲۷. نجاشی، ابوالعباس احمدبن علی کوفی، رجال، قم: النشر الاسلامی، ۱۴۱۳ ق.
۲۸. نزوی، عبرالتاریخ، وزاره المیراث والثقافه القومی، عُمان: مَسْقَط، ۲۰۰۱ م.
۲۹. نعمه، شیخ عبدالله، فلاسفه شیعه، ترجمه سیدجعفر غضبان، تهران: انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی، ۱۳۶۷ ش.
۳۰. نوبختی، حسن بن موسی، فرق‌الشیعه، ترجمه و تعلیق محمدجواد مشکور، تهران: علمی و فرهنگی، ۱۳۶۱ ش.